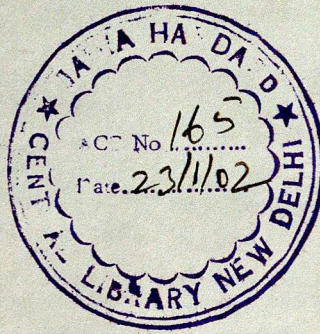


FUMIGATED

591.555
H26 R



بسم الله الرحمن الرحيم ونعم النعمان

الجزء ١٦٦

بسم الله الرحمن الرحيم ونعم النعمان

بسم الله الرحمن الرحيم ونعم النعمان

بسم الله الرحمن الرحيم ونعم النعمان

بسم الله الرحمن الرحيم ونعم النعمان

بسم الله الرحمن الرحيم ونعم النعمان

بسم الله الرحمن الرحيم ونعم النعمان

بسم الله الرحمن الرحيم ونعم النعمان

بسم الله الرحمن الرحيم ونعم النعمان

بسم الله الرحمن الرحيم ونعم النعمان

بسم الله الرحمن الرحيم ونعم النعمان

بسم الله الرحمن الرحيم ونعم النعمان

بسم الله الرحمن الرحيم ونعم النعمان

بسم الله الرحمن الرحيم ونعم النعمان

بسم الله الرحمن الرحيم ونعم النعمان

بسم الله الرحمن الرحيم ونعم النعمان

بسم الله الرحمن الرحيم ونعم النعمان

بسم الله الرحمن الرحيم ونعم النعمان

لهذا اسم او را به همزه مقدر کردند و همزه اسم متحالت در اصل وضع افرو بود چون عره را در رسم
 الخط ندر عرب صورت معین است کجای بود و می نویسند چون در آخر کف و کمانچه
 چون را سمت حرکت کمانه میسازند فطرت الی حرکت نیز بسیار بیان اندر وجودی
 مقرر شده قدر ما جهت امتیاز بر این مکتبه به تمام تعداد و نایفه را در کتابت کجای او گذاشتند
 لام الف او را خواندن اظهار خط است ایچیه از صورت همزه در جمهور مشهور شده اختراع
 ماهرین است و بعضی اهل تحقیق بر آنکه خط مستقیم متحرک که اندر عرب همزه گویند
 اندر او تعداد حروف او است و ساکن که بالغ مشهور دارد در شمار انحاء بعد
 واقع شده چون ابتدا ساکن منصرف است لهذا لام را که بعد الحاق قلی دارد با
 هم کردند جای که قلب الف لام و قلب لام و الف واقع شده باشند اگر چه این وجه
 در مادی الطر و چه نماید لکن شمع فکر معلوم بود که اندای به همزه کردن و لغو او
 با سماء حروف نیم خودن خلاف مشهور و خلاف مقرر جمهور است اسما و حروف
 بهی که قسم است اول سروری و آن دو حرفی بود **دو** و **ا** در حروف اند **یا نا نا خان**
راز اطا افا ایا و **ا** دریم تلفظی و آن سه حرفی بود که آخرش از قسم اول باشد و **ا**

حرف اند الف جیم دال ذال سین شین ص ض غین فاف طاف لام

سین مکتوبی که از خوش از رسم اول باشد آن سه حرف اند **هم نون و او** زبان

فارسی که پارس پهلوی بن شام بن لوح علیه السلام مکتوب است بفت کونیا

یکی پارس **هم** حرف که در بلاد پارس حرف که از کفر از الملک آن بوده بد آن

دوم پهلوی که مردم رومی و افغان و هند آن نهادند و مضافات آن بدان

لکم کنند و آن مکتوب به پهلوی است یعنی شهرت چه در اول شهرت در همان مکتوب

سینوم در ری که در کوه روستا بدان ناطق بود و چون آن زبان مخلوط

دیگر بود تنوا فصیح خوانند و این سه زبان متداول و متعارف است

و چهار زبان دیگر که بر دی و زردی و سمری و سغدی باشد مژک و مطروح

چنانچه شعر بیان نتوان گفت اگر بصر درت در شوک و حکم استعمال کند جایز است و درست

حرف اند آنکه اندریاوسی نایب **هم** فاما نوری باسی اندر اسمی معانی

ازین مکتوب است آن حروف یادگیر تا و حاصا و نما و طا و طاعین و ماف

چنانچه در پاری ثبت حرف که سابق **هم** و مکتوب **هم** نیاید مخفی و معرب

همچنین چهار حرف دیگر که بیخه و پ و ز و کاف است که خاصه لغت فارسی
 در کلام عرب بی تقیید نیست و دیگر متعل می شود **س و ک و پ** حرف مخصوص فارسی
 بر چهار بیخه و پ و ز و کاف ای مختار در کلام عرب بعد از شش و هج
 متعل پس کلام عرب بی بر بست و بست حرف اند و زبان فارسی
 چهار حرف شد و در سر فایه مذکور که شش حرف که نای و شله و جاد و حطی و دال
 و ضار و جیم و خیاعین ممل و فایه در بر کی می ای چایچه **س و ک و پ** ایچه نبود بر بست
 بست شش حرف ای است و مثل نای و ضار و دال و ضاد و غین و فاکتور
 ممل **س و ک و پ** اجناس است و بست حرف در کلام عرب استغای اقسام
 از موجودات و مرکبات که امر یا جمیع و غیر آنرا چه باشد افضای آن حکم که علی
 باشد بکن عوض و وقف فایه مردوری که بست و سی می بود و دال کم کردند
 اقسام العباد و حکمت شعار است بر آنکه منعمات آن سخاوت از قسم اول است و اقسام
 از قسم و ثانی و ثالث مقدمه چهار حرف مخصوص فرستاده در مثل بمنزله بست حرف بود
 فایه مضاعف آن بست کرده در کلام فارسی بست و چهار حرف است که فرستاده و سایر که است